

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 6, Summer 2022, 425-445
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.39746.2492

The Need for a Social Interpretation of the Texts of the Shari'a;

Critique of Javaid Rehman's Views on the Applicability of Sharia Rules to the Legal Needs of Modern Society

Mohammad Moghaddami*

Amir Hosein Khosroabadi, Tavakol Habibzadeh*****

Abstract

Implementing the rules and regulations of Sharia in the legal system of modern governments has always been associated with challenges such as non-compliance with the new rules of human rights. Challenges like these can be seen in the human rights reports of UN rapporteurs. The main concern of the reporters regarding the situation of human rights rules in those countries that seek to implement the rules of Sharia in their legal system seems to be a kind of adaptation and compliance of Sharia rules with human rights principles which is generally referred to as the compatibility of Islamic rules with the needs and requirements of the modern government. In order to achieve a theoretical gap between Muslim legal thinkers and human rights reporters, this study seeks to examine whether the rules of Sharia have

* PhD Student of International Law, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
moghaddami.m@ut.ac.ir

** PhD Student of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran,
ah.khosroabadi@gmail.com

*** Associate Professor and Head of Department of Public and International Law, Imam Sadiq
University, Tehran, Iran, thabibzadeh@gmail.com

Date received: 2022/04/07, Date of acceptance: 2022/07/23



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the capacity to adapt to the new needs and requirements of modern governments. For this purpose, this study relies on the descriptive and analytical method of the intellectual foundations of three Muslim thinkers with different approaches and in addition to a critical analysis of Dr. Rahman's article. Finally, it can be concluded that by analyzing the works of two other thinkers, capacities for modeling the adaptation process can be extracted.

Keywords: Javaid Rehman, Human Rights, Convention on the Rights of the Child, Applicability, Sharia Provisions.



ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت نقد دیدگاه‌های جاوید رحمان در باب انطباق‌پذیری قواعد شریعت بر نیازهای حقوقی جامعه مدرن

محمد مقدمی*

امیرحسین خسروآبادی**، توکل حبیب‌زاده**

چکیده

تطبیق احکام شریعت با قواعد نوین حقوق بشری و اجرای آن در نظام حقوقی دولت‌های مدرن با چالش‌هایی نظیر ناهماهنگی همراه بوده است. چالش‌هایی از این قبیل را می‌توان در گزارش‌های حقوق بشری گزارش‌گران سازمان ملل متحد مشاهده کرد. دغدغه اصلی گزارش‌گران در مورد کشورهایی که به دنبال تطبیق قواعد شریعت در نظام حقوقی خود هستند، انطباق‌پذیری قواعد شریعت با اصول حقوق بشری است که به‌طور کلی از آن به‌عنوان انطباق‌پذیری احکام اسلامی با نیازها و اقتضائات دولت مدرن یاد می‌شود. در این پژوهش، این مسئله واکاوی می‌شود که آیا قواعد شریعت ظرفیت انطباق‌پذیری با نیازهای نوین و اقتضائات دولت‌های مدرن را دارد. از این رو، این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی مبانی فکری سه اندیشمند مسلمان با رویکردهای مختلف (جاوید رحمان،

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
moghaddami.m@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران،
ah.khosroabadi@gmail.com، ایران،

*** دانشیار و مدیر گروه حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)،
تهران، ایران، thabibzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱



گزارش‌گر ویژه حقوق بشر ایران، محمداقبر صدر و احمد ریسونی) را ارزیابی کرده و علاوه بر بررسی انتقادی مقاله جاوید رحمان با عنوان «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک؛ پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن»، به کاستی‌های موجود در نظام‌های مبتنی بر حقوق اسلام نسبت به انطباق‌پذیری قواعد شریعت با نیازها و اقتضائات زمانه اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جاوید رحمان، حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک، انطباق‌پذیری، احکام شریعت.

۱. مقدمه

گزارش‌ها و قطع‌نامه‌های حقوق بشری امروزه بیش از هر زمان دیگری تحریک اقتصادی، تعارض قوانین، و دیگر مشکلات متعدد حقوقی و غیرحقوقی را بر جامعه ایران تحمیل کرده است. در جدیدترین مسئله‌ای که در این خصوص رخ داده است، باید به تصویب قطع‌نامه حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران در نشست هفتاد و ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که، همانند سال‌های پیش، به موجب آن بر مبنای گزارش‌گر ویژه حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران به نقض جدی حقوق بشر متهم شده است.^۱ در این مورد، تکرار مجموعه‌ای از ایرادهای حقوق بشری در گزارش‌های گزارش‌گران حقوق بشری، با وجود این که همه‌ساله نهادهای مرتبط در جمهوری اسلامی ایران پاسخ‌های عمدتاً منطقی و مستدل شفاهی و کتبی را به آن‌ها ارائه می‌دهند، نشان از عمق چالش دارد. درحقیقت، به نظر می‌رسد که فقدان مفاهیم میان دو طرف و تفاوت در مبانی موجب بروز تکرار این اتهامات یا به عبارت دیگر بروز اختلافات شده است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است تا با فهم دقیق اندیشه دکتر جاوید رحمان، گزارش‌گر ویژه حقوق بشر منصوب شورای حقوق بشر در مورد ایران، موضوع انطباق‌پذیری قواعد شریعت، که در مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک؛ پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن»^۲ منعکس شده است، مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا با توجه به نظرهای اندیشمندان مسلمان در این زمینه، خلأ مفهومی موجود میان حقوق‌دانان ایرانی و گزارش‌گر حقوق بشر به درستی درک شود.

به این ترتیب، در این پژوهش، برای پاسخ به این سؤال مهم که آیا شریعت ظرفیت انطباق‌پذیری با نیازها و اقتضائات دولت‌های مدرن را دارد، نظر سه اندیشمند مسلمان

(جاوید رحمان، احمد ریسونی، و شهید محمدباقر صدر)، که از دیدگاه‌های متفاوتی برخوردارند، با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، موردبررسی و نقد قرار گرفته است. از این‌رو، در بخش اول، گزارش مختصری از مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک؛ پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن» ارائه شده است که درحقیقت، بازتاب اندیشه‌ی جاوید رحمان در زمینه ظرفیت انطباق‌پذیری شریعت با نیازها و اقتضائات دولت مدرن است. در بخش دوم، تلاش شده است تا اندیشه‌ی احمد ریسونی و شهید محمدباقر صدر درباره‌ی ظرفیت انطباق‌پذیری شریعت بیان شود. سپس، در بخش سوم، نقدهای قابل‌طرح درمورد دیدگاه جاوید رحمان مبتنی بر رویکردهای اندیشمندان مزبور مطرح شده است.

در این خصوص، به نظر می‌رسد که با گذشت قرن‌ها از آغاز شکل‌گیری اندیشه‌ی اسلامی، هم‌چنان سامان دقیقی از مسئله‌ی سازگاری قواعد شریعت با مقتضیات اجتماعی جامعه‌ی مدرن ارائه نشده است. باین‌حال، نباید این مهم را فراموش کرد که میراث اندیشه‌ی نظری فقها و متفکران اسلامی، به‌مثابه‌ی چراغ راه‌نمای این مسیر، در اختیار اندیشمندان و پژوهش‌گران معاصر قرار دارد و به این ترتیب، زمینه‌های نظری آن فراهم شده است و درحال‌حاضر، به کاربست عملی این اندیشه‌ها نیاز است تا ایده‌ی اسلامی انطباق‌پذیری شریعت با نیازها و اقتضائات دولت مدرن به‌شکل کامل و مطلوب محقق شود.

۲. مختصری از دیدگاه‌های جاوید رحمان

مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک؛ پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن»^۳، نوشته‌ی دکتر جاوید رحمان، در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. رحمان استاد دانشگاه برونل لندن^۴ است که عمده‌ی آثار وی در حوزه‌ی مذهب و حقوق بشر منتشر شده است. اهمیت آثار این نویسنده در این است که در سال ۲۰۱۸ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد وی را به‌عنوان گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل درخصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرد. هم‌چنین، در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، به‌عنوان یکی از اعضای کمیته‌ی هماهنگی دفتر گزارش‌گران ویژه‌ی حقوق بشر سازمان ملل فعالیت کرده است که این مسئله بر اهمیت پرداختن به آثار وی، درمقام یک پژوهش‌گر در حوزه‌ی نظام حقوقی اسلام، می‌افزاید.

جاوید رحمان در این مقاله، برای پرداختن به چالش‌های کاربست قواعد شریعت در پارادایم دولت‌های مدرن، به مصادیقی از حقوق کودک می‌پردازد. به هر ترتیب، در این بخش از نوشتار پیش‌رو تلاش شده است تا گزارش مختصری از مقاله مزبور ارائه شود تا در مرحله اول فهم دقیقی از اندیشه جاوید رحمان حاصل شود. درخصوص ساختار مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک؛ پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن»، گفتنی است که این مقاله در پنج بخش، ابتدا به بیان برخی مقدمات پرداخته است. سپس، ارتباط شریعت با نظام‌های حقوقی مدرن را با هدف ارزیابی انطباق‌پذیری شریعت با قواعد حقوق بشر مورد ارزیابی قرار داده است. در بخش سوم، در پرتو کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹، تأثیرهای متقابل شریعت در مقررات بین‌المللی مطرح شده است، اما در بخش چهارم، با رویکردی مصداقی، دو مسئله خاص از حقوق کودک در اسلام، یعنی کودک‌همسری (Child Marriage) و ممنوعیت فرزندخواندگی، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. بخش پایانی هم‌راه با نتیجه‌گیری به ارائه پیش‌نهادهایی منتهی شده است. در ادامه، مختصری از بخش‌های یادشده برای بیان اندیشه جاوید رحمان، درباره ماهیت شریعت و همچنین رابطه آن با نظام‌های حقوقی مدرن، بیان خواهد شد.

۱.۲ ارتباط شریعت با نظم اجتماعی مدرن و سازگاری‌پذیری آن با قواعد حقوق بشر

به اعتقاد جاوید رحمان، تداوم پافشاری حقوق اسلامی در استناد به اصول شریعت به چالش بزرگی در ارتباط آن با نظام‌های حقوقی بین‌المللی، منطقه‌ای، و ملی تبدیل شده است. او معتقد است که چالش‌های مربوط به شریعت فقط به آن دولت‌هایی اختصاص ندارد که به صورت فعالانه مدعی اجرای حقوق اسلامی در حقوق داخلی خودند، بلکه این موضوع در دولت‌هایی مثل انگلستان، فرانسه، و ایالات متحده آمریکا نیز افزایش یافته است، چراکه اقلیت‌های مسلمان در چنین جوامعی از جمعیت بالا و تأثیرگذاری برخوردارند.

از این رو، به اعتقاد وی، «انطباق قواعد شریعت با قواعد حقوق بشر و رویه‌های اساسی در سطح حقوق داخلی»، به مسئله مهمی تبدیل شده است که امروزه دولت‌های مدرن را به شدت درگیر خود کرده است. این درحالی است که در میان آرای محاکم بین‌المللی و نظرهای حقوق دانان درباره این مسئله رویه واحدی دیده نمی‌شود، به نحوی که در برخی از

آرا، از جمله آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و دیگر محاکم اروپایی، رویکرد حاکم بیان‌گر ناسازگاری میان شریعت با قواعد حقوق بشری است. به‌عنوان مثال، در پرونده «حزب رفاه و دیگران علیه دولت ترکیه»، دیوان اروپایی حقوق بشر تصریح می‌کند که شریعت با قواعد حقوق بشر ناسازگار است،^۵ اما در طرف مقابل، برخی حقوق‌دانان به‌صورت جدی از رویکرد سازگاری میان قواعد شریعت با قواعد حقوق بشری حمایت می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به اسقف اعظم کانتربری، روان ویلیامز (Rowan Douglas Williams)، اشاره کرد که از حمایت جدی شورای شریعت در نظام حقوقی انگلستان برخوردار بوده است. شورای شریعت شورایی غیررسمی در انگلستان است که از سال ۱۹۷۰ در رعایت داوطلبانه قوانین اسلامی در حیطة احوال شخصی همکاری جدی داشته است (Rehman 2015: 154-157).

۲.۲ کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک و انطباق آن‌ها با شریعت

جاوید رحمان به دو کنوانسیون پرحاشیه و پرچالش حقوق کودک و رفع تبعیض علیه زنان می‌پردازد و رویکردهای دولت‌های اسلامی را درخصوص برخی ابعاد آن، که با مناقشات بسیاری همراه بوده است، بیان می‌دارد. به‌طور کلی، وی عمده مشکلات پیش‌روی این کنوانسیون‌ها را اولاً در تعداد، ماهیت، و همچنین آثار حق شرط‌هایی می‌داند که اکثر دولت‌های اسلامی بر کنوانسیون وارد کرده‌اند که هدف آن‌ها تغییر یا مستثناکردن اجرای هر ماده‌ای است که در مغایرت با ارزش‌ها و قواعد اسلامی است. ثانیاً، برخی از دولت‌های اسلامی عضو کنوانسیون‌های مزبور برخی از حقوق بنیادین پیش‌بینی شده در این کنوانسیون‌ها را صرفاً شناسایی کرده‌اند، بدون این‌که در حقوق داخلی به آن‌ها تأثیر واقعی ببخشند. درنهایت، وجود تمایز درباره برخی مفاهیم چالش‌های بسیاری را به‌همراه داشته است. به‌عنوان مثال، جاوید رحمان به تمایز مفهوم کودک در حقوق بین‌الملل و شریعت اشاره می‌کند و تشتت آرای دولت‌های اسلامی در این زمینه را بیان می‌دارد.

۳.۲ حقوق کودک و چالش جهان اسلام؛ کاربرد کفاله، ازدواج کودکان، و

خيار بلوغ

در بخش سوم، تحت عنوان حقوق کودک و چالش‌های جهان اسلام، ادعای اصلی نویسنده مشخص می‌شود، مبنی بر این‌که اجرای سخت‌گیرانه و انعطاف‌ناپذیر قواعد شریعت نه تنها

مفاد کنوانسیون حقوق کودک را نقض می‌کند، بلکه به شدت برای اصول بنیادینی که برای تضمین رفاه کودکان در چهارچوب حقوق داخلی تنظیم شده است، زیان‌آور است (Rehman 2015: 157). نویسنده برای روشن شدن این مسئله دو نمونه از اصطکاک‌های میان کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوق اسلامی را بیان می‌کند. به این ترتیب، جاوید رحمان ابتدا قواعد حاکم بر ازدواج کودکان در نظام حقوقی اسلامی را طرح می‌کند و ذیل آن اصطلاح خیارالبلوغ (Option of Puberty) را مورد بررسی قرار می‌دهد. پس‌از آن، به سراغ مفهوم کفالت می‌رود و چالش‌های حقوقی آن در نسبت با کنوانسیون حقوق کودک را مورد بررسی قرار می‌دهد. به اعتقاد این نویسنده، تعارضات موجود میان حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی در هر دو مورد پی‌آمدهای حقوقی جدی را در سطح فراملی به وجود آورده است.

۴.۲ درک انعطاف‌پذیری شرع و روند اصلاحات در اعمال کشورهای اسلامی:

جمع‌بندی

جاوید رحمان در بخش پایانی و جمع‌بندی مطالب بیان می‌دارد که دولت‌های تابع نظام حقوقی اسلام (شریعت) هرگز نمی‌توانند، با اکتفا به شریعت، مدعی حمایت از حقوق کودک در جوامع مدرن باشند. البته مشکل به اعمال شرع در چهارچوب حقوق مدرن داخلی چندان مربوط نمی‌شود، بلکه از تفسیر و اصلاحات مستمر در درون سنت‌های حقوق اسلامی برمی‌آید. قوانینی که ازدواج کودکان را تأیید می‌کند (یا براساس آن، ازدواج کودک یا صغیر باید با اجازه پدر یا سرپرست صورت گیرد) و براساس سن بلوغ اجرا می‌شود، نشان‌دهنده بخش‌های قدیمی و مهجور سنت‌های قبیل‌های بومی است. این سنت‌ها هم‌چنان وجود دارند و مانع اعمال اصلاحاتی‌اند که براساس شریعت یا قوانین حقوق بشر مدرن پیش‌بینی شده‌اند (ibid.: 165-166).

در این خصوص، مثال‌های قابل توجهی در سنت‌های اسلامی وجود دارد که ویژگی‌های مثبت و انعطاف‌پذیری را در قواعد حقوق اسلامی ایجاد کرده است که در صورت اجرا، رشد و توسعه اصول و قواعد شرعی در مدت زمانی معین بی‌شک همه رفتارهای تبعیض‌آمیز از حقوق اسلام برانداخته می‌شود و با هنجارهای در حال تحول حقوق کودکان و برابری جنسیتی توأم خواهد شد.

۵.۲ اندیشه دکتر جاوید رحمان

براساس آنچه تاکنون بیان شد، جاوید رحمان با بیان مصادیقی از حقوق کودک مدعی وجود ظرفیت‌های ارزش‌مندی در شریعت است که این ظرفیت‌ها قابلیت انعطاف و سازگاری با کنوانسیون‌های بین‌المللی و به‌طور خاص کنوانسیون‌های حقوق بشری را برای شریعت فراهم کرده‌اند. این در صورتی است که دولت‌های اسلامی که مدعی اجرای شریعت در حقوق داخلی خودند و از چنین ظرفیت‌هایی غافل بوده‌اند. به دلیل همین غفلت موجب بروز بسیاری از چالش‌های حقوقی و به‌طور خاص حقوق بشری در سطح ملی و بین‌المللی شده‌اند.

در حقیقت، او به تمایز میان قواعد شریعت و حقوق بین‌الملل اذعان دارد، اما معتقد است که دولت‌های اسلامی باید خود را به تفسیری از اسلام معتقد بدانند که قواعد اسلامی را با قواعد حقوق بشری رایج تطبیق می‌دهد و با آن‌ها سازگار می‌کند. به این ترتیب، دولت‌های اسلامی باید در مورد قواعد شریعت رویکردی اصلاحی اتخاذ کنند و برای حفظ و رعایت حقوق بشر، از مطلق‌گرایی و رعایت سخت‌گیرانه قواعد اسلامی بپرهیزند.

۳. بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان

انطباق‌پذیری قواعد شریعت (که به‌اختصار فقه نامیده می‌شود)، با اقتضائات و نیازهای زمانه، دغدغه همه فقها و اندیشمندان اسلامی از آغاز شکل‌گیری و تدوین قواعد شریعت و استنباط احکام فقهی بوده است (شافعی ۱۹۴۰: ۸۶-۸۸). در این زمینه، فقهای اهل سنت در شکل‌گیری این مناقشه‌ها پیش‌گام بودند، چراکه پس از رحلت پیامبر اعظم اسلام (ص)، انسداد وحی، و ابلاغ تعالیم الهی (بر مبنای آموزه‌های کلامی آنان) ناچار شدند که به‌وسیله اجتهاد به مسائل روزمره فقهی خود پاسخ دهند. به تبع، چالش‌های مربوط به تطبیق قواعد شریعت بر نیازهای زمانه برای آنان زودتر تجلی یافته است (شاطبی ۱۹۹۷: ۱۲-۱۹)، اما مذهب امامیه، به دلیل پذیرش مقام امامت به‌منزله قائم‌مقام نبوت در تعلیم آموزه‌های الهی، دیرتر اجتهاد را آغاز کرده و چالش مزبور دیرتر بر آنان نمود یافته است (مطهری ۱۳۸۹: ۲۰، ۲۱).

در پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار، اندیشمندان اسلامی در دو مکتب امامیه و عامه به دو دسته تفکیک شدند. گروهی از اندیشمندان که رویکرد سلفی و حدیثی داشتند، امکان

تطبیق قواعد شریعت با مقتضیات زمان را به‌نحو محدود عملی می‌دانستند و به‌دلیل انسداد باب اجتهاد به نصّ و تأویل، در عمل این تطبیق را نمی‌پذیرفتند،^۷ اما در رویکرد مقابل، بسیاری از فقها و اندیشمندان اسلامی با توسعه مبادی و مبانی اجتهادی به استنباط احکام شرعی بر وفق مقتضیات زمان و تطبیق قواعد شرعی بر نیازهای زمانه قائل بودند. در میان مذاهب فقهی اهل سنت، مکتب امام مالک بن آنس به‌دلیل رویکرد عقل‌گرایانه به احکام شرعی پیش‌رو بوده است. به‌جرئت می‌توان گفت که دکتر احمد ال‌ریسونی، فقیه و اندیشمند معاصر مراکشی، با تدوین کتاب ارزش‌مند نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی، در پیش‌برد میراث عظیم فقهی اهل سنت و تأثیرگذاری در مکتب فقهی شیعی نقش مؤثری داشته است. در میان اندیشمندان شیعی نیز نباید از دیدگاه‌های ارزش‌مند فقهایی نظیر محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) غافل بود که در دوران اخیر، با توسعه مشی اجتهادی در استنباط احکام شرعی، که به «فقه جواهری» نیز مشهور شد، مکتب فقه اجتهادی امامیه را توسعه بخشید.

با وجود این، به‌دلیل دیدگاه موجود در پژوهش دکتر جاوید رحمان، لازم است که دیدگاه‌های آن دسته از فقهایی که به رویکرد انطباقی قواعد شریعت بر نیازها و مقتضیات نظام اجتماعی معاصر قائل بودند، شرح و تفصیل یابد تا بر این اساس، ابزارهای لازم برای نقد اندیشه جاوید رحمان فراهم شود. از این‌رو در ادامه، آرا و اندیشه‌های تعدادی از فقه‌های اسلامی شناخته‌شده و نظریه‌پرداز معاصر در این رویکرد واکاوی خواهد شد.

۱.۳ احمد ریسونی

احمد ریسونی، عضو هیئت‌رئیس و مدیر اتحادیه جهانی علمای اسلامی، فقیه مالکی‌مذهب و اندیشمند اصولی معاصر است که آثار فقهی وی در حوزه اجتهاد و فقه مسائل مستحدثه مورد توجه گروه‌های علمی مطالعات اسلامی قرار دارد. نظریه وی در باب انطباق قواعد شریعت با مقتضیات نظام اجتماعی و کنش‌های سیاسی دولت اسلامی به «نظریه مقاصد الشریعه» معروف است. به‌نظر ریسونی، «مقاصد شریعت» عبارت است از «معانی، غایت‌ها، آثار و پی‌آمدهایی که به خطاب شارع و تکلیف شرعی تعلق می‌گیرد و از مکلفان خواسته می‌شود که به آن نایل یابند» (ریسونی ۲۰۱۰: ۷). با عنایت به این تعریف، آنچه بر مکلفان لازم و فرض محسوب می‌شود، کشف مقاصد شارع از شریعت است.

اما مقاصد شارع از شریعت را در دو لایه می‌توان استدرک کرد. نخست، مقاصد خطاب شارع که عبارت است از استنباط حکم شرعی از منابع استنباط بیانی شرعی (قرآن و

روایت)، به نحوی که بتوان از بیان شرعی قصد خطاب را برداشت کرد (همان: ۹). برای این منظور، علم اصول فقه و منطق کارآمدی لازم را در پی خواهد آورد، اما در لایه دوم، مقاصد حکم شرعی است که کشف این مقصد و معیار قراردادن آن گاهی از سوی فقهای اسلامی محل تردید قرار گرفته است. نقطه ثقل نظریه ریسونی بر این لایه از مقاصد استوار است. به نظر وی، مقاصد حکم شرعی «آثار و پی‌آمدهای موردانتظار فراتر از ادای احکام شرعی» است که از آن‌ها تحت عنوان «مقاصد الشریعه» یاد می‌کند (همان: ۱۲).

هریک از احکام شرعی معلل به یک غایتی است، اما ریسونی غایت و مقصد عام و نهایی همه احکام شرعی را در «جلب مصلحت و درء مفسده» خلاصه می‌کند و براساس ادله شرعی، وجود چنین غایتی را برای همه احکام شرعی به اثبات می‌رساند (همان: ۷۷-۷۹). شاطبی در *الموافقات مصلحت و مفسده* را قائم به زندگی دنیایی و اخروی انسان می‌داند (شاطبی ۱۹۹۷: ۴۴). براساس این رویکرد، مصلحت آن چیزی است که به زندگی و معیشت انسان باز می‌گردد و کسب آن منوط به تحمل رنج و مشقت و تکلیف است. هم‌چنین، مفسده آن چیزی است که وجودش زندگی و معیشت دنیایی را از حیث خوراک، پوشاک، نوشیدنی، مسکن، عبادت، مساعدت به دیگران، و نظیر این‌ها تباہ می‌سازد و حذف مفسده منوط به تحمل مشقت و درد است (همان: ۶۳).

ریسونی در اثر دیگر خود، که در آن به تفصیل مقاصد الشریعه می‌پردازد، شاکله احکام اسلامی را از سه حیث ضرورت‌ها، نیازمندی‌ها، و تحسینات دسته‌بندی می‌کند. شاطبی این سه جهت را مقاصد شریعت نامیده است و از طریق استقرای علل احکام شرعی و دسته‌بندی آن‌ها، حکم شرعی را در یکی از این جهات موردبررسی قرار می‌دهد (همان: ۳۶).

به نظر ریسونی، مصالح ضرورت‌مدار (ضروریات) به آن دسته از مصالح اطلاق می‌شود که قصد اصلی و غایی وجود شریعت حفظ و پاسداری از آن‌هاست، به طوری که سعادت دنیایی و اخروی انسان‌ها منوط به حفظ این مصالح است و اخلال در این مصالح موجب اخلال در نظام اجتماعی انسان‌ها خواهد شد، اما مصالح نیازمدار (حاجیات) به آن دسته از مصالح اطلاق می‌شود که اگر در زندگی و نظام اجتماعی رعایت شود، مشقت و سختی از انسان‌ها رفع خواهد شد. باین حال، تأمین‌نشدن این مصالح موجب اخلال نیست. احکام مربوط به معاملات، نکاح، و اباحه قراردادهای غیرمغایر با شریعت مصداق بارز حاجیات است، اما پاره‌ای از مصالح هستند که نبود آن‌ها موجب دشواری و مشقت نیست، ولی تأمین این مصالح زندگی انسان‌ها را بهتر و نظام اجتماعی را مترقی و پویاتر خواهد ساخت.

به‌عنوان مثال، استفاده از انگشتر، آداب نظافت و بهداشت، و توصیه به خواندن ادعیه از مصادیق بارز این مصالح است. ریسونی این دسته از مصالح را مصالح تحسینی (تحسینیات) می‌نامد (طباطبائی حکیم ۱۹۷۹: ۳۸۳، ۳۸۴).

امام محمد غزالی، فقیه بزرگ اهل سنت، نخستین بار در تاریخ اجتهاد اهل سنت مصالح ضروری را، که اساس و بنیاد احکام تکلیفی عزائم، احکام وضعی پرداخت دیه و قصاص و مجازات‌های شرعی اسلامی است، در پنج مصلحت دین (امت)، نفس، نسل، عقل، و مال معرفی کرد (غزالی ۱۹۹۳: ۱۷۴).

ریسونی پس از بیان منابع استدلالی درخصوص تثبیت نظر امام غزالی بیان می‌کند که همه احکام و قواعد شریعت، حتی در بخش حاجیات و تحسینیات، در این مصالح ضروری پنج‌گانه ریشه دارد، اما درمقابل، قواعد شریعت و احکام شرعی استنباط‌شده نیز باید در جهت تأمین این مصالح پنج‌گانه باشد (ریسونی ۱۹۹۲: ۱۵۲-۱۶۰). ریسونی این نکته را متذکر می‌شود که مجتهد هنگام استنباط احکام شرعی از ادله و منابع شریعت مکلف است که استنباط را در چهارچوب فهم و استدراک از مقاصد شریعت به‌عمل آورد (همان: ۳۲۶). او غایت کلی احکام را جلب مصلحت و دفع مفسده می‌داند، آن را بر چهارچوب استنباط حاکم می‌کند، و بر مجتهد فرض می‌داند که استنباط حکم را براساس این غایت سامان دهد. از این‌رو، از نظر ریسونی باب مصالح مرسله در اصول استنباط قابل توجیه بوده و رعایت مصلحت و دفع فساد اصل خدشه‌ناپذیر اسلام است که بر هر حکم اولیه‌ای ترجیح‌دانی است (همان: ۳۴۷-۳۵۳).

در جمع‌بندی اندیشه دکتر ریسونی، باید به این نکته اشاره کرد که بنابر نظر او، مصالح ضروری را نباید صرفاً به همان پنج ارزشی منحصر دانست که فقهای اسلامی احصا کرده‌اند، چراکه این انحصار با مشی اجتهادی همان فقهای مغایر است که از طریق اجتهاد به این پنج ارزش رسیده‌اند. اقتضای اجتهاد آن است که با استقرای ارزش‌های نوین نظام اجتماعی مصالح ضروری توسعه یابد و احکام شرعی مبتنی بر مصالح ضروری حقیقی نظام اجتماعی تنظیم شوند (همان: ۳۵۸).

۲.۳ محمدباقر صدر

شهید محمدباقر صدر از معدود اندیشمندان اسلامی است که پژوهش‌های او در حوزه‌های متعدد مطالعات اسلامی هم‌چنان محل رجوع اندیشمندان سایر کشورها و مذاهب مختلف

است (صدر ۲۰۰۷: ۳۰۱). تقریر وی از نظریه حق الطاعة در علم اصول از بهترین تقریرهای اصولی بود که زمینه واکاوی پی آمدهای دو رویکرد برائتی و احتیاطی را در استنباط حکم شرعی فراهم کرده است.

یکی از مهم‌ترین نظریات او در زمینه قواعد شریعت، که موجب شکل‌گیری مناقشه‌های جدید در مذهب امامیه شد، نظریه قواعد شرعی ثابت، متغیر، و دامنه آن در قلمرو منطقه الفراغ است. این موضع نظری شهید محمدباقر صدر در نقد و واکاوی نظر دکتر رحمان حائز اهمیت است. به همین علت، در این بخش از پژوهش تلاش شده است تا تبیین دقیقی از این نظریه ارائه شود.

شهید صدر بحث خود را با پی‌گیری این دغدغه آغاز می‌کند که چگونه می‌توان در دوران معاصر، به‌هم‌راه پیچیدگی‌های فراوان در مناسبات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی حیات بشری مشکلات نظام اجتماعی را براساس آموزه‌های اسلامی برطرف کرد (صدر ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰). به‌نظر می‌رسد که پاسخ به این پرسش دغدغه مشترک شهید صدر و جاوید رحمان باشد که هریک پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده‌اند. شهید صدر در کتاب *اقتصادنا* هدف از تشریح قواعد شریعت را رفع نیازهای انسان در زندگی قلمداد می‌کند (صدر ۱۳۸۵: ۶۸۲). او نیازهای انسان را به دو دسته نیازهای ثابت و نیازهای متغیر تقسیم می‌کند. نیازهای متغیر آن دسته از نیازهایی است که در گذر زمان تحول می‌یابند، اما درمقابل، نیازهای ثابت به بعد فطری مشترک میان همه انسان‌ها وابسته‌اند که ثابت و بدون تغییر باقی می‌مانند (همان: ۳۲۴-۳۲۵).

سراغاز نظام اجتماعی با نیازهای انسانی شروع می‌شود و قواعد حاکم بر این نظام اجتماعی نیز باید حسب نیازهای ثابت و متغیر انسان به دو دسته قواعد ثابت و متغیر دسته‌بندی شوند. محمدباقر صدر در بستر تحلیل نظام (مکتب) اقتصادی اسلام از ره‌گذر قواعد ثابت و متغیر حاکم بر ابزارها و نهادهای اقتصادی به‌دنبال اثبات این گزاره کلی است که قواعد شریعت هم‌سو با نیازهای انسان طراحی شده است و طی زمان‌های متمادی پاسخ‌گوی همه نیازهای انسانی خواهد بود. قواعد ثابت شریعت همواره پاسخ‌گوی نیازهای انسان باقی می‌ماند، اما ویژگی این قواعد اشتغال آن‌ها بر موضوعات و احکام کلی است و این قابلیت را دارد که از طریق آن بتوان احکام متغیر برای نیازهای متغیر انسانی را استنباط کرد و قواعد شریعت را برای پاسخ‌دادن به نیازهای متغیر انسان استخراج کرد (همان: ۳۲۷).

شهید صدر برای فرایند استخراج احکام شرعی متناسب با نیازهای متغیر سه لازمه را بیان می‌کند. نخست، باید آن دسته از عناصر ثابت را که احکام ثابت بدان‌ها تعلق دارند، استخراج کرد. دوم، چهارچوب‌های عناصر ثابت را به‌نحوی طراحی کرد که نیازهای جامعه معاصر را بتوان در آن چهارچوب تبیین کرد. در پایان، یک استدراک فقهی و حقوقی از صلاحیت‌های ولی فقیه به‌دست آورد که موجب انعطاف قواعد شرعی متغیر شود (صدر ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱). او چنین فرایندی را در جهت استخراج قواعد شرعی حاکم بر نظام اقتصادی دنبال می‌کند و به نتایجی نائل می‌شود، اما بخشی از این فرایند را می‌توان در مورد قواعد جنایی در نظام عدالت کیفری اسلام به‌کار گرفت که در این بخش از پژوهش، به‌صورت مختصر بدان اشاره می‌شود.

شهید صدر تأکید می‌کند که در برخی از احکام ثابت، که به موضوعات ثابت تعلق گرفته است، علت حکم در نفس حکم به‌صورت منصوص آورده شده است (همان: ۶۵). به‌عنوان مثال، حکم حرمت ربا در قرآن کریم معلول ظلم و شیوع بی‌عدالتی در میان انسان‌ها معرفی شده است. متناسب با تعلیل این آیه می‌توان در دوران معاصر احکام برخی از اقسام ربا (ربای معاملی، ربای تولید، و ربای مصرفی) را برحسب آن که مصداق شیوع بی‌عدالتی در جامعه می‌شوند یا خیر استنباط کرد (غفوری چرخابی ۱۳۸۸: ۱۹۶-۱۹۸). علاوه‌بر احکام مشتمل بر گزاره‌های منصوص‌العله در فرمایش‌های معصومین (ع)، سیره آنان در امور حکومتی و قضایی یک معیار قطعی و مناسب برای شناسایی نوع و استخراج احکام متغیر است.

شهید صدر این نکته را با مثال‌هایی از سیره معصومین (ع) در حوزه نظام اقتصادی شرح می‌دهد (صدر ۱۳۹۳: ۶۸-۷۰)، اما برای آن‌که بتوان نمونه‌های مربوط به حقوق بشر و حقوق کیفری را مثال زد، باید به پژوهش‌های مشابه با رویکرد روش‌شناسانه شهید صدر رجوع کرد. در میان اندیشمندان شیعی معاصر به‌نظر می‌رسد که محقق داماد از جمله فقهایی است که از حیث مشرب فکری با شهید صدر هم‌سوئی دارد و تقریر او از نظریه منطقه‌الفراغ مشابه با تقریر شهید صدر است (محقق داماد ۱۳۹۶: ۱۸). او در تبیین مجازات جرایم منافی عفت در قرآن کریم، با استناد به سیره حکومتی حضرت رسول اعظم (ص) و با عنایت به احکام کیفری اجراشده توسط وی و حضرت علی (ع) که مربوط به این دسته از جرایم است و با تحلیل رجالی، روایی، و محتوایی روایات موجود، به این نتیجه می‌رسد که اجرای مجازات رجم برای پاره‌ای از جرایم منافی عفت (نظر مشهور فقهای امامیه) از

ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت ... (محمد مقدمی و دیگران) ۴۳۹

اساس محل تردید است و وظیفه حاکم اسلامی آن است که باتوجه به این سیره قضایی و حکومتی، چنین کیفی را از فهرست قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران پاک کند (همان: ۲۰۵-۲۱۹).

از سوی دیگر، شهید صدر بر ارزش‌هایی تأکید دارد که از سوی نظام اجتماعی اسلام به عنوان ارزش‌های بنیادین شمرده شده‌اند. او عدالت اجتماعی را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های نظام اجتماعی می‌داند که آیات متعدد قرآن کریم بر اهمیت و شمولیت این ارزش تأکید داشته است. شهید صدر بیان می‌کند که این ارزش‌های عالی معیار تحدید صلاحیت قلمرو ولی فقیه در منطقه الفراغ و معیار استنباط احکام متغیر در شریعت است (همان: ۶۶-۶۷).

۴. نقد نظریه جاوید رحمان

پس از بیان مختصری از اندیشه جاوید رحمان، که در مقاله مشارالیه وی در این پژوهش متجلی بود، و هم‌چنین ذکر اندیشه دو تن از اندیشمندان مسلمان (شیعی و اهل سنت) در باب مسئله تطبیق قواعد اصیل شریعت در مقتضیات جامعه مدرن، لازم است بار دیگر نگاه جاوید رحمان به مسئله انطباق و سازگاری قواعد شریعت بر مسائل حقوق بشر در جامعه تحول‌یافته کنونی مورد واکاوی و ارزیابی قرار گیرد.

پیش‌از آن، ضرورت دارد که این مبحث را به ریشه آغازین خود بازگردانیم. علامه حلی در یکی از رساله‌های مختصر خود در باب کلام امامیه از نبوت و امامت افضل و اعلم انسان‌ها سخن به میان می‌آورد و آن را یک لازمه عقلی برای نهاد نبوت و امامت بیان می‌کند. فاضل مقداد در شرح این عبارات به دو مصلحت دنیایی و اخروی انسان‌ها اشاره می‌کند و فلسفه بعثت انبیا و استمرار راه آنان از سوی امامان معصوم (ع) را تأمین آن مصلحت بیان می‌کند و در ادامه، بیان می‌دارد که تأمین مصلحت دنیایی انسان‌ها و تاحدودی مصالح اخروی آنان از طریق ایجاد یک زندگی (نظام) اجتماعی سامان‌یافته امکان‌پذیر است. برای ایجاد چنین سامان اجتماعی باید قواعد حاکم بر جامعه به نحوی باشد که دادگری و قسط (عدالت اجتماعی) را میان انسان‌ها و روابط آنان حکم‌فرما سازد. پس، قواعد ارائه‌شده توسط انبیا و جانشینان آنان باید بر تنظیم یک نظام عادلانه و در جهت سامان اجتماعی این نظام مبتنی باشد و محتوای این قوانین نیز باید عادلانه باشد (علامه حلی بی‌تا: ۱۰-۱۳). هم‌چنین، علی‌زاده با بررسی آثار و اقوال فقها و متکلمان اسلامی به این نتیجه رسیده است

که هدف از جعل قواعد اسلامی برای انسان‌ها و تشریح لزوم استقرار یک حاکمیت برای شهروندان آن است که با تجاوزگری به حقوق اشخاص مقابله شود، حقوق اشخاص به‌نحو کمال اعطا گردد، و عدالت اجتماعی در جامعه حکم‌فرما شود (علی‌زاده ۱۳۸۲: ۲۳۷).

با ذکر این مقدمه، باید اذعان داشت که نگاه جاوید رحمان به احکام و قواعد شریعت، از حیث کلامی، هماهنگ با آن اصول تثبیت‌شده در کلام است که شریعت اسلامی را به‌عنوان یک راه‌نمای ابدی برای بشریت و درجهت توسعه و پیشرفت جامعه انسانی معرفی می‌کند (Rehman 2015: 155)، اما او با ذکر برخی قواعد شریعت، که منبعث از فتاوی فقهای اسلامی است، مقرر می‌کند که در رویه دولت‌های مدرن چنین رویکرد غیرمنعطفی درمورد احکام شریعت موجب بروز تراحم جدی میان اجرای قواعد شریعت و قواعد بنیادین حقوق بشر شده است.

از نظر او، رویکرد تبعیض‌آمیز قواعد شریعت درخصوص دیه زنان ثبوت حق قصاص در صورتی که مجنی‌علیه غیرمسلمان باشد و شرایط اجرای قصاص در جایی که مجنی‌علیه زن باشد، مصادیقی از قواعد جنایی در شریعت است که با درک اولیه و متداول از عدالت مغایر است و اصل برابری انسان‌ها از حیث نژاد، جنس، رنگ، مذهب، باور، و عقیده را نفی می‌کند. هم‌چنین، برخی از قواعد شریعت نظیر عدم ثبوت قصاص پدر درقبال قتل فرزند، تجویز نکاح دختران زیر سن بلوغ از طریق نیابت پدر و سایر سرپرستان قانونی و شرعی، و محدودبودن ابزارهای دردست‌رس زوجه برای خاتمه وضعیت نکاح نمونه‌هایی از احکام شریعت است که با قواعد امروزی حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی و مورداجماع جهانی، به‌خصوص حقوق کودکان و زنان، مغایر است.

اما این بیان رحمان که «مشروعیت نظام شریعت» به‌واسطه وجود چنین مثال‌هایی درحال تضعیف است،^۸ محل تأمل جدی است. واقعیت آن است که شریعت بیانی اصیل و والا از جانب خداوند برای پیش‌برد و سعادت جامعه بشری است که در زمان‌ها و مکان‌ها برای جوامع انسانی کارایی دارد. جنس شریعت از آن دسته از قواعد کلی هنجاری است که در هر دوره زمانی و جغرافیای مکانی، فقها و اندیشمندان می‌توانند قواعد فرعی و جزئی را از میان این قواعد هنجاری کلی استخراج کنند و به نیازهای زمانه پاسخ دهند. بنابراین، مغایرت برخی از احکام نظام حقوقی اسلامی با قواعد بنیادین حقوق بشر به‌دلیل مغایرت قواعد هنجاری کلی شریعت با حقوق بشر نیست، بلکه اندیشمندان نظام حقوقی اسلام در تطبیق این قواعد کلی هنجاری با نیازها و مقتضیات جامعه کنونی گاهی اهمال کرده‌اند و بر

لزوم اجرای احکام فرعی گذشته اصرار دارند (صدر ۱۳۸۵: ۶۷۳). از این رو، نمی‌توان مشروعیت قواعد کلی هنجاری شریعت را متزلزل دانست.

به نظر می‌رسد که محمدجواد مغنیه با طرح مسئله «فهم اجتماعی نصوص شریعت»، به دنبال رفع معضلی است که جاوید رحمان به شکل مصداقی در قلمرو حقوق بشر بدان اشاره کرده بود (مغنیه ۱۴۰۴ق: ۱۳-۱۵). شهید صدر، با تأکید بر نقطه ثقل نظریه مغنیه، بیان می‌دارد که اگر ایده فهم اجتماعی از نصوص شریعت در میان صاحبان فتوا در مذاهب اسلامی تثبیت و به کار گرفته شود، بسیاری از چالش‌ها و گره‌های پیچیده حقوق اسلامی با مقتضیات جامعه مدرن و نیازهای نوین بشری حل‌شدنی خواهد بود. از این رو، دغدغه مشترک آقای رحمان و برخی از فقهای اسلامی نظیر دو فقیه اشاره‌شده در بخش دوم این پژوهش، با توجه به ایده «فهم اجتماعی از نصوص شریعت»، قابل پاسخ‌گویی است. از این ره‌گذر، باید میان آن دسته از نصوصی که در مقام بیان یک حکم قضایی (Case Law) یا حکم عبادی مصداقی با آن دسته از گزاره‌های هنجاری شریعت که در مقام بیان قاعده عام هنجاری هستند، تمایز قائل شد.^۹ از سوی دیگر، هر یک از احکام شریعت را باید در بستر اجتماعی آن الزام وارد شده تحلیل کرد و نمی‌توان حکم را به تنهایی و بدون توجه به لوازم صدور حکم قابل تسری به هر دوره زمانی، جغرافیایی، و مکانی دانست (صدر ۱۳۸۵: ۲۵-۳۲). هم‌چنین، توجه به موضوع‌شناسی حکم در فرایند استنباط احکام شرعی بسیار حائز اهمیت است. تازمانی که موضوع قاعده هنجاری شریعت در مسائل مستحدثه احراز نشود، امکان تسری حکم قاعده کلی شریعت بدان میسر نیست و باید به عموماً شریعت برای تبیین حکم وضعیت آن مسئله تمسک شود. این مسئله به قدری حائز اهمیت است که می‌تواند در ایده فهم اجتماعی نصوص بخش زیادی را به کار گیرد و بسیاری از ابهامات را برطرف سازد (علی‌زاده ۱۳۸۲: ۲۶۶-۲۶۷).

پیش‌نهاد جاوید رحمان برای دنبال کردن یک رویکرد انعطاف‌پذیر به قواعد شریعت برای سازگار کردن احکام شرعی با قواعد حقوق بشر کمی مبهم به نظر می‌رسد، اما با استفاده از نظریات ارزش‌مند فقهای اسلامی در جهت انطباق احکام هنجاری شریعت بر نیازهای جامعه انسانی، نظیر نظریه مقاصد و نظریه منطقه‌الفراغ، می‌توان بخش زیادی از این انطباق را با رعایت اصول انسانی انجام داد. باین حال، جای خالی یک نظریه جامع در باب تفسیر اجتماعی نصوص شریعت احساس می‌شود. پژوهش‌های مصداقی و تحلیل‌های مبتنی بر رویه از سوی برخی نویسندگان، نظیر جاوید رحمان، این احساس نیاز را برجسته

می‌سازد و زمینه را برای آغاز پژوهش‌های مفهومی هنجارمند در جهت ترسیم چهارچوب نظری مطلوب در باب تفسیر اجتماعی نصوص شریعت فراهم می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

با گذشت قرن‌ها از آغاز پیدایش اندیشه اسلامی، هم‌چنان سامان دقیقی از مسئله‌سازگاری قواعد شریعت با مقتضیات اجتماعی جامعه مدرن ارائه نشده است. در ادبیات فقهی قدمای فقهای اسلامی تا معاصران ایشان آثار و گفتارهای متعددی وجود دارد که در بخش‌هایی از قسمت دوم پژوهش بدان اشاره شد، اما در عمل، واقع‌گرایی نتوانست در جایگاه آرمان‌گرایی فقهای اسلامی قرار گیرد. بدون تردید، میراث اندیشه نظری فقها و متفکران اسلامی چراغ راه‌نمایی برای پژوهش‌گران معاصر است تا کاربست مسئله‌ای را که فقهای سابق به‌نحو نظری سعی در حل آن داشتند، در دوران معاصر و با وجود شکل‌گیری گسترده نظام‌های حقوق اسلامی معاصر، به‌صورت رسمی یا اختیاری، به‌شکل مطلوب تحقق بخشند.

شریعت اسلام با ادعای سازگارپذیری در کلیه ابعاد زمانی و مکانی و با این ادعا که توان مدیریت جامعه اسلامی را در هر زمانی دارد، نیازمند طراحی سازوکارهای نظارتی و تقنینی دقیق برای تطبیق قواعد کلی خود با ضرورت‌ها و نیازهای جدید است و باید خود را براساس آن سازوکارها با اقصانات زمانی سازگار کند. باوجود همه تلاش‌های نظری که برای تدوین یک فرایند عینی برای انطباق قواعد شریعت بر نیازهای زمانه انجام شده است، به‌نظر می‌رسد که هم‌چنان ابهامات زیادی در این قلمرو وجود داشته باشد که مستلزم بررسی دقیق‌تری است. بخش‌های زیادی از مقاله جاوید رحمان در جهت بیان این ضرورت بود، بی‌آن‌که تجویز دقیق و عینی برای آن پیش‌نهاد شود. اگرچه اندیشمندان معاصر درخصوص موضوعات جزئی، احکام مصداقی شریعت، و سازگاری‌پذیری این احکام با رویه دولت‌های مدرن قرائت‌های جدیدی بر جای گذاشته‌اند، این تلاش‌ها تازمانی که به یک نظام فکری و الگوی رویه‌ای منسجم منجر نشوند، نمی‌توانند ادعای شمولیت قواعد شریعت را در عمل نشان دهند.

تلاش‌های اندیشمندان معاصر چون صدر، ریسونی، سید قطب، مطهری، و رشید رضا برای تدوین یک مدل جامع برای تقریر قواعد کلی شریعت و انطباق‌پذیر با نیازهای زمان و پاسخ‌گو به نیازهای معاصر از این جهت حائز اهمیت است که آن‌ها به‌جای پرداختن به مسائل مصداقی چون سن تکلیف، قصاص نوجوانان، و نکاح دختران به‌دنبال استخراج یک

ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت ... (محمد مقدمی و دیگران) ۴۴۳

مدل جامع مبتنی بر ارزش یا مصالح خمسه یا مدلی مبتنی بر نیازهای ثابت و متغیر در بستر نظریه منطقه‌الفراغ و نظیر چنین مدل‌هایی بودند تا از این ره‌گذر، بتوانند به همه موضوعات جدید و نیازهای نوین عصر حاضر، براساس این مدل و در بستر قواعد کلی شریعت، پاسخ دهند.

به نظر می‌رسد که جاوید رحمان می‌بایست به‌جای آن‌که به‌صورت مصداقی به موضوعات انطباق‌پذیری و نقد فرایند سازگاری شریعت با نیازهای مدرن و مقتضیات دولت مدرن بپردازد، به‌دنبال کشف یک الگوی جامع از سازگارسازی و تطبیق قواعد شریعت بر نیازهای زمانه باشد. از این رو، پیش‌نهاد می‌شود که قرائت قواعد شریعت با یک رویکرد اجتماعی آغاز شود تا از این مسیر، فهم نصوص شریعت و قواعد کلی آن متناسب با زمینه‌های اجتماعی و نیازهای زمانه به‌عمل آید.

پی‌نوشت‌ها

1. A/RES/76/178, General Assembly Resolution on Situation of Human Rights in the Islamic Republic of Iran, 16 December 2021.
2. "Religion, Human Rights Law and the Rights of the Child; Complexities in Applying the Sharia in Modern State Practices".
3. "Religion, Human Rights Law and the Rights of the Child; Complexities in Applying the Sharia in Modern State Practices".
4. Brunel University London
5. Case of Refah Partisi (the Welfare Party) and others v Turkey, the Judgment of 13 February 2003 App. Nos 41340/98, 41342/98, 41343/98, and 41344/98, para. 123.
6. Article 1: For the Purposes of the Present Convention, A Child Means Every Human Being below the Age of Eighteen Years Unless, under the Law Applicable to the Child, the Majority is Attained Earlier.

۷. در میان فقهای شیعه، ملا امین استرآبادی با ذکر ادله موافقان و نقد آن و هم‌چنین ادله شرعی قائل به این نظریه بودند (بنگرید به استرآبادی ۱۴۲۶: ۳۶۶-۳۷۰). در میان مکتب فقهی اهل سنت، بنیان‌گذار این مشرب فکری را باید به مذهب فقهی امام احمد بن حنبل منسوب دانست که در پنج قرن بعد از سوی ابن تیمیه حنبلی تحت عنوان سلفی‌گری توسعه یافت (بنگرید به ابن تیمیه ۱۹۸۰: ۵۰-۵۳).

8. Rehman, Javaid, "Religion, Human Rights Law and the Rights of the Child; Complexities in Applying the Sharia in Modern State Practices", *Northern Ireland Legal Quarterly*, vol. 62, no. 2, p. 165.

۹. به‌عنوان مثال، حرمت قتل عمدی نفس، یک قاعده کلی در شریعت است و حکم اولیه در صورت استیفای اولیا دم قصاص است. به عبارت دیگر، قصاص دایرمدار عامدانه بودن جنایت است، اما همین حکم در برخی موارد مصادقی نظیر جایی که قاتل پدر مجنی علیه باشد، دست‌خوش تغییر می‌شود، چراکه در قالب پرونده‌های قضایی ارائه شده، عنصر عمد مخدوش است و لذا پیامبر اکرم در مقام قضاوت حکم به پرداخت دیه داده‌اند، اما نمی‌توان از این حکم مصادقی قاعده کلی عدم ثبوت قصاص در جایی که پدر قاتل فرزند خویش است، استنباط کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- ابن تیمیه حنبلی، احمد (۱۹۸۰)، *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت: دار المکتبه الحیاة.
- استرآبادی، محمدامین (۱۴۲۶)، *الفوائد المدنیة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- ریسونی، احمد (۱۹۹۲)، *نظریة المقاصد عند الامام الشاطبی*، قاهره: الدار العالمیة للکتاب الاسلامی.
- ریسونی، احمد (۲۰۱۰)، *مدخل الی مقاصد الشریعة*، قاهره: دار الکلمة للنشر والتوزیع.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۹۹۷)، *الموافقات*، قاهره: دار ابن عفان.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۹۴۰)، *الرسالة*، تحقیق احمد شاکر، قاهره: مکتبه الحلبي.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۵)، *اقتصادنا*، قم: بوستان کتاب.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، *اسلام، راهبر زندگی*، ترجمه مهدی زندیه، قم: دار الصدر.
- طباطبایی حکیم، سیدمحمدتقی (۱۹۷۹)، *الاصول العامة للفقہ المقارن*؛ مدخل الی دراسة الفقه المقارن، قم: مؤسسه آل البيت للطباعة والنشر.
- عاملی، احمد عبدالله و محمدباقر صدر (۲۰۰۷)، *السیرة و المسیرة فی حقائق و الوثائق*، بیروت: مؤسسه العارف للمطبوعات.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، *باب حادی عشر*، شرح مقدادبن عبدالله سیوری (فاضل مقداد)، مشهد: مؤسسه انتشارات و چاپ آستان قدس رضوی.
- علی زاده، عبدالرضا (۱۳۸۲)، *مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق*، تهران: سمت.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۹۹۳)، *المستصفی من علم الاصول*، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت ... (محمد مقدمی و دیگران) ۴۴۵

غفوری چرخابی، حسین (۱۳۸۸)، «بررسی آیات ربا و احکام آن»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۱.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۶)، *فقه استدلالی جزایی تطبیقی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *آشنایی با قرآن*، تهران: صدرا.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۴ق)، *فقه الامام جعفر الصادق*، بیروت: دار الجواد.

Convention on the Rights of the Child (1990, September).

General Assembly's Resolution on Situation of Human Rights in the Islamic Republic of Iran (2021, December).

Refah Partisi (the Welfare Party) and Others v Turkey (2003, February).

Rehman, Javaid (2011), "Religion, Human Rights Law and the Rights of the Child; Complexities in Applying the Sharia in Modern State Practices", *Northern Ireland Legal Quarterly*, vol. 62, no. 2.

